

در آمدی بر جرایم زیست محیطی

دکتر ناصر قاسمی*

(۸۴/۳/۱۶)

چکیده: در طول سالهای اخیر که افکار عمومی در گستره ملی، فراملی و بین‌المللی بیش از پیش متوجه ره‌آورد‌های خطرناک و مهلک ناشی از آلودگی‌های گوناگون محیط زیست و تخریب‌های زیست محیطی شده است؛ اشخاص حقیقی و حقوقی در ساختارها و جایگاه متفاوت دولتی و غیردولتی داخلی و خارجی بر آن شده‌اند تا به منظور چاره‌جویی و یافتن راه‌های حمایتی و پیشگیرانه، از راه‌های مختلف مانند تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های خصوصی و عمومی و برگزاری گروه‌هایی‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به ویژه تدوین و تصویب پروتکل‌ها، مقاوله‌نامه، کنوانسیون‌ها و یا تأثیرگذاری در این موارد در سطح خارجی و قوانین و مقررات در عرصه داخلی اقدامات ضروری را معمول دارند. در این راستا جرم تلقی نمودن اقدامات آلاینده و مخرب و ارائه پاسخهای کیفری مناسب و مؤثر می‌تواند بسیار گره‌گشا باشد. بنابر این بایستی ضمن آگاهی یافتن از عوامل و منابع آلاینده و زیانبار، اقدامات یاد شده دارای وصف و عناوین مجرمانه می‌گردیدند و وارد قلمرو حقوق کیفری و قوانین جزایی می‌شدند که تلاشهایی نیز در این باره چه در بُعد داخلی و خارجی و بین‌المللی صورت پذیرفته است.

آنچه که در این گفتار مورد بررسی کوتاه فراگرفته است، شناخت عوامل و مبادی آلودگی و تخریب محیط زیست و چگونگی ورود آن به قلمرو دانش حقوق جزا و در نهایت جرم تلقی شدن رفتارهای آلوده کننده و از بین برنده محیط زیست می‌باشد.

واژگان کلیدی: محیط زیست - آلودگی - تخریب - حقوق جزا - جرم زیست محیطی.

۱-۱- عوامل و مبادی آلودگی و انهدام محیط زیست

بدون تردید اگر بخواهیم سرآغاز دگرگونی‌های خطرناک پدید آمده در اکوسیستم^۱ یا سیستم اکولوژیک^۲ و محیط زیست^۳ را تعیین نماییم؛ بایستی از پدیدار شدن انقلاب صنعتی در گذشته‌ای نه چندان دور نام ببریم با پیدایش این تحول، انسان و محیط زیست او نیز دستخوش تغییرات مهم و شگرف شده است. این موضوع در نیمه دوم قرن گذشته که گسترش و توسعه فن‌آوری بشر را در به وجود آوردن دگرگونی‌های عمیق و بنیادین در قلمرو محیط زیست توانا ساخت؛ شدت یافته و تا حال حاضر نیز استمرار یافته است.

درست است که صنعت و فن‌آوری، رشد و توسعه در زندگی بشری از جهات گوناگون را پدید آورده است مانند ایجاد کارخانجات و مراکز تولیدی و صنعتی نوین، برخورداری از فن‌آوری‌های پیشرفته در زمینه بهره‌برداری بهینه از منابع و امکانات موجود در طبیعت، رشد و توسعه مراکز شهری، ازدیاد و تنوع کالاها و خدمات و... با این وجود به دلیل آن که بهبود وضعیت اقتصادی بسیاری از کشورها در قدمهای نخستین خود ملاحظات زیست محیطی را مورد توجه قرار نداده است، زیانهای مهم و مؤثری را به محیط زیست وارد نموده است.^۴ برای نمونه می‌توان به رخداد رویدادهای ناگوار زیست محیطی مانند حادثه چرنوبیل^۵ روسیه، حادثه اتمی بوپال هند^۶ و آلودگی‌های گوناگون وارده بر محیط زیست به ویژه دو گونه محیط زیست طبیعی و انسان ساخت اشاره نمود.

۱-Ecosystem: مجموعه جاندار و غیرجاندار محیط در یک ناحیه معینی است که با روابط و تأثیر متقابل به ساختن و مبادله مواد غذایی و انرژی مشغول هستند.

۲-Ecological System

۳-Environment: مجموعه‌ای مرکب از آب، هوا و ذرات معلق نظیر دوده، خاک و غبار است. به عبارت دیگر مجموعه‌ای متشکل از نظام‌های اتمسفر (که از هوا و ذرات آب و ذرات معلق تشکیل شده است)، پدوسفر (زمین)، بیوسفر (قشر زیست محیطی) و هیدروسفر (آب) می‌باشد.

4-David Hunter, Julia Sommer And Scott Vaughan, "Concepts and principles of International Environmental Law: An Introduction", Volume 2, united nations Environment Programme, 1994, p 21.

5-Chernobyle

6-Bhopal

مراکز صنعتی و کارخانجات تولیدی مختلف با تولید پسابها و فاضلابهای آلاینده و در مواردی کشنده خسارات بسیار زیادی را به محیط زیست وارد کردند. وسائط نقلیه موتوری که همواره نیز بر تعداد آنان افزوده می‌گردد موجبات آلودگی شدید هوا را فراهم آورده‌اند. این دخالت‌ها در محیط زیست تا جایی ادامه یافت که اقلیم مناطق را نیز دچار تغییر و دگرگونی نمود، رودها و دریاهاى مصنوعی را به وجود آورد و به این ترتیب انسان تعادل موجود در اکوسیستم و طبیعت را بر هم زده و در آن نابسامانی و بی‌نظمی به وجود آورد. محیط زیست مبتلا به آلاینده‌ها و تخریبهای گوناگون شد و در این راستا آب و هوای کره زمین که نقش چشمگیری در سلامتی و زیست آدمی و دیگر موجودات زنده دارد در وضعیت نامطلوبی قرار گرفت و با سرایت اینگونه آلودگی‌ها به بخشهای دیگر محیط زیست، فاجعه بزرگی به نام «بحران محیط زیست» در گستره جهانی به وقوع پیوست. از این رو می‌توان گفت که بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های موجود در طبیعت و نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از بهره‌وری نادرست آدمی از طبیعت و منابع آن است در برابر این وضعیت، پالایندگی محیط زیست را می‌توان بدون تردید یکی از ضروریات حفظ و بقای حیات موجودات زنده در زیست کره دانست. بنابراین این باید از انجام فعالیتهایی که سبب ورود صدمه و زیان به محیط زیست می‌شوند جلوگیری نمود. زیرا این آلودگی‌ها می‌توانند دشواری‌های فراوانی مانند بروز انواع گوناگون اختلالات فیزیکی و روانی در انسان، بیماریهای مختلف در حیوانات و گیاهان و حتی مرگ اجزاء جاندار اکوسیستم، کاسته شدن از بهره‌مندی‌های موجود در طبیعت و زیان دیدن و یا از بین رفتن اموال و اجسام را به وجود آورند.

۱-۲- پیوستگی محیط زیست با دانش حقوق کیفری

محیط زیست دارای ویژگی‌ها و ابعاد متنوع و گوناگون است و همین امر سبب شده است که با دانشها و رشته‌های علمی مختلف مانند جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، پزشکی، روانشناسی، جغرافیا، شیمی، اقتصاد و... بستگی و ارتباط پیدا کند. به این ترتیب علوم گوناگون در قلمرو موضوعات مربوط به خود، محیط زیست را مورد

ارزیابی و بررسی قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که گرایش‌های جداگانه و مخصوصی در این باره پدید آمده است مانند مهندسی محیط زیست، شیمی محیط زیست، اقتصاد محیط زیست و حقوق محیط زیست.

حقوق از جمله دانش‌هایی است که میان انسانها و جوامع بشری از سابقه دیرینه برخوردار است.

انسان با بهره‌مندی از این دانش برای داشتن اجتماعی سالم همراه با امنیت، آرامش و آسایش ضوابط و مقرراتی را وضع نموده است تا بتواند در سایه وجود قوانین و مقررات تا آنجا که امکان‌پذیر است حیات و زندگی خود را در شرایط مناسبی سپری کند و جان، مال، عرض و ... خویش را در پناه آن از بسیاری از زیانها و صدمات ایمن نگاه دارد. با توجه به اینکه محیط زیست و حمایت از آن موضوعی است که ارتباط ریشه‌ای و بنیادین با این هدفها دارد، از این رو بایستی در چتر حمایتی قانون و حقوق قرار گیرد و از این راه سعی شود تا هر چه بیشتر از ورود آسیب و زیان به این میراث مشترک بشریت جلوگیری شود و در صورت رخداد چنین خساراتی شخص خطا کار مسئول شناخته شود و برحسب مورد ملزم به جبران زیانهای وارده گردیده و در مواردی نیز به مجازات برسد. موضوع تعیین ضوابط و مقررات در این باره (چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی) برقرار کننده ارتباط محیط زیست و حقوق خواهد بود. بنابر این اگر بنا باشد که تخریب محیط زیست و اقدامات گوناگون آلاینده آن جرم تلقی شود و برای مرتکب آن پاسخ کیفری در نظر گرفته شود باید به دانش حقوق، آن هم حقوق کیفری روی آورد و از آن مدد جست. به عبارت دیگر، اگر قرار باشد که از مقوله‌ای به نام «جرم زیست محیطی» یا «جرایم زیست محیطی» سخن گفته شود و در کنار سایر عنوانهای جزایی قرار گیرد؛ ناگزیر بایستی به سوی حقوق جزا گام برداشت و در این عرصه به ارائه تعریف اقدامات مجرمانه علیه محیط زیست و ابعاد گوناگون آن و بیان ویژگیها، شرایط و ارکان تشکیل دهنده مصداقهای مختلف آن پرداخت.

حقوق جزای اختصاصی که از شاخه‌های اصلی تشکیل دهنده حقوق کیفری به شمار می‌رود و به بررسی عناصر متشکله هر یک از جرایم بصورت جداگانه و تعیین

پاسخهای کیفری مجازت و یا اقدامات تأمینی و تربیتی^۱ برای هر کدام از آنها می‌پردازد؛ برای جرایم گوناگون طبقه‌بندیهای مختلفی ترسیم کرده است و جرایم را در درون این طبقه‌بندیها قرار داده است. به عنوان نمونه و در یک طبقه‌بندی جرایم تقسیم می‌شوند به: ۱- جرایم علیه اشخاص ۲- جرایم علیه اموال ۳- جرایم برضد مصالح عمومی و امنیت کشور ۴- جرایم برضد عفت و اخلاق عمومی ۵- جرایم برضد ضد خانواده و تکالیف خانوادگی.

در طبقه‌بندیهای به عمل آمده جای عنوان «جرایم علیه محیط زیست» در کنار سایر عنوانها خالی است، مطرح بودن جرایم زیست محیطی در درون طبقه‌بندیها و تقسیمات آن کافی نیست و گسترده و دامنه این جرایم از یک سو و اهمیت قابل توجهی که دارند و نیز شرایط و ویژگیهای خاص این جرایم و نوع آثاری که وقوع اینگونه جرایم بر جای می‌گذارند از سوی دیگر، بیانگر این موضوع خواهد بود که جرایم زیست محیطی باید در یک رده و طبقه مستقل قرار گیرند و این استقلال مورد توجه قانونگذار نیز قرار گیرد و بصورت آشکار در متون قانونی (قوانین کیفری) وارد گردد.

۱-۳- بررسی مفهوم جرم زیست محیطی

در حال حاضر جامعه داخلی بسیاری از کشورها و نیز جامعه بین‌المللی با مشکلات جدی و گاه خطرناک زیست محیطی و اعمال مجرمانه و غیرمجرمانه (از دیدگاه قوانین و مقررات مربوط) در رهگذر موضوعاتی چون بیابان‌زایی^۲، کویرزایی^۳، جنگل‌زدایی^۴، تخریب لایه اُزن^۵، افزایش گازهای گلخانه‌ای^۶، انواع آلاینده‌های مربوط

۱- اقدامات تأمینی و تربیتی عبارت است از: یک سلسله تدابیر پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمین خطرناک، که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه رسیدگی کننده اتخاذ، و دربراه آن‌ها اعمال می‌گردد. (ناصر قاسمی، «اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران»، چاپ اول، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۷۴، ص ۱۳).

2-Desertification

3-Deserty Decaytion

4-Deforestation

5-Depletion of Ozone Layer

6-Increasation of Greenhouse Gases

به آب^۱، هوا^۲، خاک^۳ و آلودگی‌های صوتی^۴، شیمیایی^۵، حرارتی^۶، هسته‌ای^۷ و رادیواکتیو روبرو می‌باشد. آلاینده‌گیها و یا به عبارت دیگر، جرایمی که در بیشتر موارد ره‌آورد استخراج و حمل و نقل مواد زاید و یا خطرناک نفتی، سمی و هسته‌ای و نیز رخداد جنگها و برخوردهای مسلحانه، به ویژه گسترده و پایدار و یا بهره‌برداری نادرست و مخرب از فن‌آوریها و امکانات و محصولات ناشی از آن مانند پسابها و فاضلابهای صنعتی و غیرصنعتی و سوخت و وسائل نقلیه، کارخانجات و ... به شمار می‌آیند.

واژه جرم در لغت به معنای گناه و عصیان است و در اصطلاح تعریفهای متعددی برای آن بیان شده است که جدای از وجود برخی اختلافها در واژه‌ها و سیاق عبارات، از نظر مفهوم و محتوای اساسی تفاوت زیادی میان آنها وجود ندارد و اصولاً مبتنی بر تعریفی است که قانون‌گذاری از جرم ارائه کرده است. به این ترتیب می‌توان گفت که جرم در یک تعریف کوتاه اما دقیق که از یک سو با دیدگاه حقوق‌دانان جزا و از سوی دیگر با نظر مقنن هماهنگی داشته باشد عبارت است از: «نفس عمل (مثبت و یا منفی) مجرمانه»^۸. یعنی جرم رفتار مثبت (فعل) و یا منفی (ترک فعل) است که در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین که به گونه‌ای از این مقوله سخن گفته‌اند، از آن نامبرده شده است؛ صرف نظر از آن که چگونه، کجا، چه زمان و توسط چه شخص یا اشخاصی صورت پذیرد.

در قوانین و مقررات جزایی و غیرجزایی ایران از موضوع آلودگی و تخریب محیط زیست (جرم زیست محیطی) گاه به شکل عام و کلی و مواردی نیز به گونه

1-Water Pollution

2-Air Pollution

3-Soil Pollution

4-Voice Pollution

5-Chemical Pollution

6-Thermal Pollution

7-Nuclear Pollution

۸- این تعریفی است که نگارنده برای نخستین مرتبه در حقوق کیفری ایران در چاپ دوم کتاب «حقوق کیفری محیط زیست» که اثر نگارنده این مقاله می‌باشد در صفحه ۵۴ مطرح نموده است. این موضوع درباره پاره‌ای اصلاحات دیگر چون اقدامات تأمینی و تربیتی، بزه‌کاری، بزه کار و بزه دیده نیز وجود دارد که تاکنون مطرح شده و یا خواهد شد.

خاص سخن به میان آمده است و در موارد خاص نیز میان آلودگی محیط زیست و تخریب محیط زیست تفاوت وجود دارد، البته این اختلاف از جهت جرم بودن و یا نبودن آنها نیست، بلکه از حیث تهافتی است که این دو دسته جرایم زیست محیطی از نظر ماهیت زیانهای وارده به محیط زیست دارند.

در برخی از قوانین و مقررات آلودگی محیط زیست و یا تخریب آن بدون نام بردن از بخشها و اجزای آن مورد توجه واقع شده است و در پاره‌ای دیگر از آلودگی و یا تخریب اجزای آن اعم از جاندار و غیرجاندار بطور جداگانه سخن به میان آمده است. یعنی در برخی موارد جرم زیست محیطی شامل تمامی مصادیق و افراد آن خواهد بود و در پاره‌ای دیگر قسمتی از این مصادیق مورد نظر می‌باشد.

بعلاوه قانونگذار در بعضی از متون قانونی و مواد مربوط از واژه «ممنوع» استفاده کرده است و رفتارهای آلاینده که اصولاً جرم زیست محیطی به شمار می‌روند را همراه با این واژه مورد توجه قرار داده است. در بخشی دیگر از این مقررات نیز بدون آنکه از این واژه نام ببرد به دنبال بیان اقدامات و رفتارهای آلاینده‌ای که در قوانین و مقررات دیگر از آنها به عنوان جرم زیست محیطی یاد شده است، به تعیین مجازات درباره مرتکب اینگونه رفتارها مبادرت نموده است.

در آغاز ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۱ چنین آمده است: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است.» علی‌رغم آن که جرم بودن و یا دانستن عملی وابسته به قید ممنوعیت آن در عبارت قانونی نیست و هر ممنوعیتی نیز نمی‌تواند بیانگر جرم بودن یک رفتار باشد؛ با این حال مقنن در اینجا از این واژه استفاده کرده است در حالیکه قانونگذار می‌توانست از واژه «جرم» استفاده کند و بگوید: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم کند جرم است.»

همانگونه که ملاحظه می‌گردد در این قسمت از ماده ۹ از مفهوم عام جرم زیست محیطی یاد شده است. البته مقنن در ادامه این ماده مقصود از آلودگی محیط زیست را بیان کرده است و به عبارت دیگر آلودگی محیط زیست را تعریف کرده است و در این تعریف از پاره‌ای اجزای آن سخن گفته است: «منظور از آلوده ساختن محیط

زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی با بیولوژیک آن را بطوری که زیان‌آور به حال انسان با سایر موجودات و یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد.» به این ترتیب یک جرم زیست محیطی می‌تواند در زمره جرایم علیه اشخاص، اموال، محیط، حیوانات، نباتات و... قرار گیرد.

نکته قابل توجهی که در این جا وجود دارد آن است که همواره ایجاد تغییر در محیط زیست ممنوع نبوده و جرم تلقی نمی‌شود. به این ترتیب ممکن است مواردی وجود داشته باشد که سبب پیدایش دگرگونی در طبیعت و محیط زیست شود و با این حال جرم زیست محیطی نیز تحقق نیابد. در این باره می‌توان به تبصره ماده ۹ مزبور استفاده نمود. در این تبصره آمده است: «استعمال سموم به منظور مبارزه با آفات نباتی، و جانوران و حشرات موذی با رعایت قوانین و مقررات وزارت جهاد و کشاورزی مشمول این ماده نخواهد بود.»

بدون تردید استفاده از سموم یاد شده، محیط زیست و پاره‌ای از اجزای آن را در معرض و آسیبها آلودگی محیط زیست (و در نهایت جرم زیست محیطی) تلقی نشده است. البته این که آیا این سخن درست است یا خیر؟ و آیا باید ایجاد تغییر و آلودگی عمدی را موجه دانست یا خیر؟ و اینکه آیا رسیدن به برخی هدفها می‌تواند توجیه کننده زیان رساندن به محیط زیست و در نهایت انسان و تضمین استمرار حیات وی در این محیط باشد یا خیر؟ موضوعی است که باید در جای خود مورد جستار و کنکاش دقیق قرار گیرد.

در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آمده است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولان انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابانها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرجواز فاضلاب خام یا پساب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد....» قانونگذار در این ماده نیز از «ممنوع بودن» اقدامات تهدید کننده بهداشت عمومی سخن گفته است در حالیکه به کاربردن این واژه ضروری نبوده است. زیرا مطرح شدن این موضوع در قلمرو قانون جزایی خودگویای ممنوع دانستن انجام آن از نظر مقنن است و به دلیل ارتکاب این عمل

ممنوع است که قانونگذار برای مرتکب آن پاسخ کیفری مجازات را پیش‌بینی کرده است.

این نکته که مقنن هیچگونه الزامی برای استفاده از این واژه نداشته است و می‌توانست و یا بهتر بود که از آن صرف‌نظر کند: به معنای آن نیست که باید از واژه «جرم» استفاده می‌کرد؛ زیرا اگر به کار بردن واژه جرم را در این ماده ضروری بدانیم آنگاه باید در تمامی مواد این قانون نیز اینگونه عمل شود، که در این صورت از یک سو کار بیهوده‌ای خواهد بود زیرا وجود ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ این ضرورت را از بین می‌برد. و از سوی دیگر جامع و ضروری بودن ماده یاد شده که به تعریف جرم پرداخته است از بین خواهد رفت. بنابر این نام بردن هیچ یک از این دو «ممنوع بودن - جرم بودن» ضرورتی نخواهد داشت.

تفاوت قابل توجهی که میان ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی وجود دارد آن است که قانون نخست در مقام تعیین جرایم و مجازات‌ها به عنوان یکی از مبانی حقوق جزای عمومی و اختصاصی نبوده و در زمره قوانین جزایی قرار ندارد؛ بنابراین استفاده از کلمه «جرم» می‌توانست توجیه‌پذیر باشد؛ اما قانون اخیر اینگونه نیست و از این جهت تفاوت اساسی با قانون مقدم «حفاظت و بهسازی محیط زیست» دارد

بعلاوه، ممکن است این ایراد مطرح گردد که قانونگذار در ماده ۶۸۸ درباره تهدید علیه بهداشت عمومی به جرم‌انگاری مبادرت کرده است و این اقدام را ممنوع (جرم) دانسته است، در حالیکه در اینجا سخن از جرم زیست محیطی است نه بهداشتی.

در پاسخ به این ایراد دو نکته را می‌توان مورد توجه قرار داد:

اول - در تبصره یک ماده ۶۸۸ که طی قانون اصلاح تبصره یک ماده ۶۸۸ مصوب ۱۳۷۶ اصلاحات اندکی در آن به وجود آمد، تهدید علیه بهداشت عمومی مترادف آلودگی محیط زیست دانسته شده است و در ابتدای این تبصره آمده است: «تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود...»

دوم - در تبصره دو ماده مورد بحث نیز به تعریف آلودگی محیط زیست (رکن مادی جرم زیست محیطی) مبادرت شده است. عبارت تبصره چنین است: «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا

خاک یا زیرزمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را بطوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.»

پرسشی که اکنون ممکن است به ذهن برسد این است که اگر تهدید علیه بهداشت عمومی همان آلودگی محیط زیست می‌باشد، دلیل اینکه این دو بصورت جداگانه بیان و توصیف گردیده‌اند چیست؟ و به عبارت دیگر، ضرورت این اقدام چگونه قابل توجیه است؟ در پاسخ به این پرسش به دو نکته می‌توان اشاره کرد که عبارتند از:

۱- مقنن در متن ماده ۶۸۸ به بیان مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی مبادرت کرده است اما تعریفی از این موضوع ارائه ننموده است. سپس در تبصره نخست ماده مزبور دو مقوله «تهدید علیه بهداشت عمومی» و «آلودگی محیط زیست» را بصورت مترادف مطرح کرده است و به دنبال آن در تبصره دوم این ماده نیز مبادرت به تعریف آلودگی محیط زیست نموده است. به این ترتیب می‌توان گفت که قانونگذار از این موضوع در چند مرحله سخن به میان آورده است و در هر مرتبه نیز هدف خاصی را منظور داشته است.

۲- مقنن دو اصطلاح «تهدید علیه بهداشت عمومی» و «آلودگی محیط زیست» را از ماده ۲ آئین نامه بهداشت مصوب ۱۳۷۱ اقتباس نموده است، زیرا در این ماده آمده است که: «هر اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی شناخته شود، ممنوع می‌باشد.»

همانگونه که ملاحظه می‌گردد عبارتی که در ابتدای ماده ۶۸۸ آمده است همان عبارتی است که در آئین نامه بهداشت که از نظر تاریخ تدوین و تصویب نیز مقدم بر قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) می‌باشد؛ استفاده شده است. بعلاوه تعریفی که از آلودگی محیط زیست در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون ارائه گردیده است، با وجود یک تفاوت اندک همان تعریفی است که در قسمت دوم ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست با تاریخ تصویب مقدم بیان شده است. بنابراین این می‌توان گفت که قانونگذار کوشش نموده است تا مقررات پراکنده‌ای که درباره یک موضوع تنظیم گردیده است را در یک جا گرد آورد و برای کسانی که به دلایل گوناگون نیازمند مراجعه و استناد به آن هستند ایجاد سهولت نماید.

جدای از تبیین مفهوم عام جرم زیست محیطی در قوانین و مقررات یاد شده، موارد خاص متعددی نیز در این رهگذر مانند آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی خاک، آلودگی صوتی، آلودگی شیمیایی و هسته‌ای، آلودگی ناشی از زباله، شکار غیرقانونی و صید غیرمجاز، تخریب منابع طبیعی، آتش زدن اموال و منابع طبیعی و وجود دارد که قانونگذار درباره آنها در قوانین و مقررات گوناگون بویژه قانون مجازات اسلامی سخن گفته است و به بیان تعریف، شرایط، ارکان و درباره آنها مبادرت کرده است که در جای خود بایستی مورد بررسی قرار گیرند.

براساس آنچه که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است می‌توان گفت که جرم زیست محیطی عبارت است از: «هر نوع فعل و یا ترک فعلی که سبب ورود زیان و صدمه شدید به محیط زیست و به مخاطره انداختن جدی حیات و سلامت انسان و سایر جانداران شود.»^۱ به این ترتیب می‌توان گفت که هرگونه ایراد خسارت نسبت به اجزای جاندار و غیرجاندار اکوسیستم جرم زیست محیطی قلمداد می‌شود اعم از آن که در قالب تخریب و یا آلودگی باشد و بایستی مرتکب یا مرتکبین برابر ضوابط و مقررات قانونی موجود به مجازات و یا سایر پاسخهایی که در این باره پیش‌بینی و مقرر گردیده است، برسند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی